

## The role of the tax system in the political and social developments of Poshtkuh (Ilam) during the Qajar period

Morad Moradi Moghadam\*

Asghar Ghaffari Vahed\*\*

### Abstract

The study of the tax system of Poshtkuh in the Qajar period shows that the tax system has played the most important role in the political, security and social developments of Poshtkuh. This study aims to investigate the dual role of the tax system in the continuation of the rule of Poshtkuh governors and creating security on the one hand, and creating social and security instability due to injustices in receiving taxes on the other hand. The research method is descriptive-analytical and the data have been collected and analyzed using desk research and library resources. Determining the status of the tax system in Poshtkuh during the Qajar period, the existence of a direct relationship between governors' tax payment and the continuation of their rule and the existence of a significant relationship between extortion in taxation and social and security instability are the most important findings. The results indicate that an overtaxation system, important social changes such as imposing poverty and deprivation on the people, imposing nomadic life, disintegration of tribes and widespread migration of Poshtkuh vassals to their neighboring areas, especially to Iraq and the establishment of colonies in the Iranian-Iraqi border and inside Iraq. Therefore, the tax system had a dual role, on the one hand, it promoted the continuation of the governor's rule and the establishment of security in the region, and on the other hand, by imposing poverty

---

\* Phd of History and Teacher of Payame Noor University, Ilam, Iran, (Corresponding Author),  
morad1356moradi@yahoo.com

\*\* Phd Student of History and Faculty Member of History Department in Payame Noor University, Zanjan,  
Iran, a.ghaffarivahed@gmail.com

Date received: 22/9/2020, Date of acceptance: 16/1/2021



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

and disintegrating the tribes and their migration, it caused instability in social and security cohesion.

**Keywords:** Tax, Poshtkuh governors, political developments, security, social developments



## نقش نظام مالیاتی در تحولات سیاسی و اجتماعی پشتکوه (ایلام) در دوره قاجار

مراد مرادی مقدم\*

اصغر غفاری واحد\*\*

### چکیده

بررسی نظام مالیاتی پشتکوه در دوره قاجار رهنمون می‌نماید که نظام مالیاتی، مهم‌ترین نقش را در تحولات سیاسی، امنیتی و اجتماعی پشتکوه ایفا کرده است. هدف این پژوهش بررسی نقش دوگانه نظام مالیاتی در تداوم حکمرانی والیان پشتکوه و ایجاد امنیت از یک سو و ایجاد تزلزل اجتماعی و امنیتی ناشی از اجحاف در دریافت مالیات از سوی دیگر است. روش پژوهش توصیفی تحلیلی است و داده‌ها با بهره‌گیری از اسناد آرشیوی و منابع کتابخانه‌ای گردآوری و تحلیل شده است. مشخص شدن وضعیت نظام مالیاتی حاکم بر پشتکوه در دوره قاجار، وجود رابطه مستقیم بین پرداخت مالیات از سوی والیان و تداوم حکمرانی آنها و وجود رابطه معنی‌داری بین اجحاف در دریافت مالیات و بروز تزلزل اجتماعی و امنیتی از مهمترین یافته‌های این پژوهش هستند. نتیجه این پژوهش حاکی از این است که نظام مالیاتی سنگین، تحولات اجتماعی مهمی از قبیل تحمیل فقر و محرومیت به مردم، تحمیل زندگی کوچ‌نشینی، از هم پاشیده شدن طوایف و مهاجرت گسترده رعایای پشتکوه به مناطق همجوار خود بویژه در عراق و ایجاد کلنی‌هایی در نوار مرزی ایران و عراق و در داخل خاک عراق را به دنبال داشت. لذا نظام مالیاتی نقش دوگانه‌ای داشت، از یک طرف پیش‌برنده ادامه حکمرانی والی و استقرار امنیت در منطقه بود و از طرف دیگر با تحمیل فقر و از هم گسیختن طوایف و مهاجرت آنها باعث تزلزل در انسجام اجتماعی و امنیتی شد.

\* دکتری تاریخ و مدرس گروه تاریخ دانشگاه پیام نور، ایلام، ایران (نویسنده مسئول)،  
morad1356moradi@yahoo.com

\*\* دانشجوی دکتری تاریخ و مربی گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، زنجان، ایران، a.ghaffarivahed@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۷



Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

**کلیدواژه‌ها:** مالیات، والیان پشتکوه، تحولات سیاسی، امنیت، تحولات اجتماعی

## ۱. مقدمه

پشتکوه (ایلام)، در غرب ایران واقع است و از شمال با کرمانشاه، از جنوب با خوزستان و کشور عراق، از مشرق با لرستان و از مغرب با کشور عراق همسایه است و امروزه به این منطقه استان ایلام گفته می‌شود. بازه زمانی این پژوهش از محدود شدن حکمرانی والیان لرستان به منطقه پشتکوه در اوایل دوره قاجار تا انقراض حکمرانی والیان پشتکوه در سال ۱۳۰۷ش در بر می‌گیرد.

پرداخت مالیات مقرر به حکومت مرکزی و انجام خدمات نظامی در خارج از مرزهای پشتکوه از مهمترین وظایفی بود که والیان پشتکوه در مقابل حکومت مرکزی ملزم به انجام آن بودند. علاوه بر این دو وظیفه، والیان می‌بایست امنیت را در قلمرو خود حفظ و تهاجم مکرر نیروهای عثمانی و اعراب را به مرزهای ایران دفع می‌کردند. تداوم حکمرانی والیان، منوط به انجام این خدمات بود که نیاز به منابع مالی داشت و از طریق دریافت مالیات از رعایای پشتکوه تأمین می‌شد. دیوان اعلیٰ مبلغ مالیات منطقه پشتکوه را تعیین می‌کرد که توسط حاکمان کل لرستان و کرمانشاه از والی پشتکوه گرفته می‌شد؛ با این حال در منطقه پشتکوه، والی به عنوان نماینده حکومت مرکزی به هر میزانی که ممکن بود مالیات از رعایای پشتکوه اخذ می‌کرد و از آن طریق هم مالیات را به دیوان اعلیٰ می‌پرداختند و هم خرج دربار و مواجب نیروها و سواران وابسته به خود را تأمین می‌کرد. همچنین بخشی از درآمدهای مالیاتی، صرف ایجاد و تعمیر قلعه‌های مرزی و مواجب تفنگچی‌های مستقر در این قلاع می‌شد.

در این نوشتار برآنیم این مسئله را بررسی کنیم که نظام مالیاتی حاکم بر پشتکوه چه نقشی در تحولات سیاسی، امنیتی و اجتماعی پشتکوه داشته است؛ در صورت ایفای نقش، ابعاد، موضوعات و پیامدهای مهم آن چه بوده‌اند؟ در راستای پاسخ به این پرسش، فرضیه این پژوهش را می‌توان این گونه پیکربندی کرد؛ نظام مالیاتی از یک سو رابطه مستقیمی با تداوم حکمرانی، حفظ امنیت داخلی و دفاع از مرزها داشته است، از سوی دیگر مهمترین عامل عزل برخی از والیان، ناامنی‌های داخلی و مرزی و تزلزل اجتماعی بوده است.

در مورد پیشینه این پژوهش می‌توان گفت اگرچه تاکنون روح‌اله بهرامی در کتاب «سلسله والیان لرستان» و مرتضی اکبری در کتاب «تاریخ استان ایلام» و در کتاب «تاریخ

سیاسی و اجتماعی کردهای فیلی در عصر والیان پشتکوه<sup>۱</sup> اشاراتی به موضوع مالیات کرده- اند، اما هیچ کدام از آنها بصورت مفصل و مسئله‌مند به موضوع مالیات نپرداخته‌اند. از این رو مهمترین وجه نوآورانه در این پژوهش استفاده از اسناد نویافته در راستای روشن ساختن نقش نظام مالیاتی در تحولات سیاسی و اجتماعی پشتکوه می‌باشد و اینکه تأثیر نظام مالیاتی چه پیامدهای سیاسی، اجتماعی و امنیتی به دنبال داشته است.

## ۲. ویژگی‌های طبیعی و انسانی و اداری پشتکوه

پشتکوه ایلام، منطقه‌ای بیشتر کوهستانی است که وسعت زیادی از این کوه‌ها را گچزارها با آب‌های شور تشکیل می‌دهند و چشمه‌های آب شیرین آن محدود است. دشت‌های پشتکوه، فاقد آب شیرین کافی و تنها در دو فصل پاییز و زمستان محل قشلاق عشایر پشتکوه است. اراضی کشاورزی آبی در وسعت محدودی در مناطق چرداول، شیروان، مهران، آبدانان و دهلران قرار داشتند و اکثر این اراضی نیز خالصه و از سوی والیان به رعایای پشتکوه اجاره داده می‌شدند (رفعتی، ۱۳۸۶: ۳۴). همچنین ویژگی مرزی بودن پشتکوه باعث می‌شد تا هر ساله بخشی از محصول و اموال رعایای پشتکوه چه از سوی نیروهای عثمانی و چه از سوی اعراب مرزنشین غارت شود.

پشتکوه، منطقه‌ای اکثریت کوچ‌نشین بود که تنها سه دهکده باغسائی، دهلران و بیات تا اواسط دوره قاجار مسکونی بود. از اواسط دوره قاجار تا اواخر دوره قاجار سراسر منطقه، پشتکوه عشایر نشین بود و همه ساکنان آن به همراه عمله (amaleh)<sup>۱</sup> والی در کوه‌ها و دشت‌های پشتکوه بیلاق و قشلاق می‌کردند. همه رعایای پشتکوه در قالب طوایف مختلف و یا در عمله والی سامان یافته بودند.

دستگاه سیاسی پشتکوه به شیوه والیگری و موروثی بود و از دوره صفویه حاکمیت والیان بر منطقه پشتکوه برقرار بود. والیان بطور موروثی از سوی پادشاه وقت به عنوان والی منصوب می‌شدند. والی منبع انحصاری اقتدار سیاسی، مدیر، قاضی و محاسب مالیات بود و این نقش با چندین وظیفه طبعاً برای او قدرت بی‌حد و حصری ایجاد می‌کرد. اراده والی به کمک خوانین عمله، میرزاهای توشمالان<sup>۲</sup> ایلات به اجرا در می‌آمد و در صورت لزوم از اهرم نظامی نیز استفاده می‌گردید.

## ۱.۲ مالیات پشتکوه در دوره حسن خان و والیان سه‌گانه (۱۲۱۲ ق/۱۷۹۷م تا ۱۲۷۵ ق/۱۸۵۹م)

دو منطقه پشتکوه (ایلام) و پیشکوه (لرستان) از دوره صفویه تا اوایل دوره قاجار یک ایالت محسوب می‌شدند که به آن لر کوچک یا لرستان فیلی اطلاق می‌شد (مشیر الدوله، ۱/۱۷۹۶: ۶۳). والیان فیلی از دوره شاه عباس تا اوایل دوره قاجار در لرستان و ایلام حاکم بودند. قاجارها از همان اوایل تشکیل حکومت در ایران، شاهزادگان را حاکم ایالات و ولایات قرار دادند؛ از جمله به حکمرانی حسن خان فیلی در لرستان و پشتکوه خاتمه دادند و لرستان بطور مستقیم از سوی شاهزاده محمد علی میرزا اداره می‌شد و پشتکوه را برای مدتی توسط افرادی غیر از والیان فیلی اداره کردند. بنا بر اسناد موجود در سال ۱۲۱۹ ق/۱۸۰۴م حسن - خان از حکمرانی لرستان پیشکوه و پشتکوه عزل شد (ساکما: ۵۳۵ / ۲۸۰ / ۹۱) حسن خان با عزل از حکمرانی به همراه خانواده‌های تابع خود به خاک عثمانی پناهنده و در منطقه عماره ساکن شد (درویش پاشا، ۱۲۸۷ ق: ۵-۱۷۹۶). پس از مدتی شاهزاده محمدعلی میرزا، حسن خان را تنها به عنوان والی پشتکوه منصوب کرد و علت انتصاب دوباره او این بود که از توانایی او در اداره بهتر پشتکوه، دفاع از مرزها و در لشکرکشی به عثمانی استفاده کند (سپهر، ۱۳۶۸: ۳۲۹).

در سال ۱۲۴۳ ق/۱۸۲۸م حسام السلطنه حاکم لرستان گردید. از آنجا که پایه‌های حکومت خود را در لرستان مستحکم نمی‌دید، از این رو برای جلب رضایت و اعتماد حسن خان<sup>۳</sup>، پشتکوه را به عنوان تیول به او واگذار کرد و قرار بر این گذاشتند که سالانه به صلاحدید خود پیشکشی بپردازد، مشروط به اینکه از هواخواهی و طرفداری شاهزاده محمود میرزا، حاکم قبلی لرستان، دست بردارد و در خدمت شاهزاده حسام السلطنه باشد. حسام السلطنه پس از آنکه حکمرانی خود را در منطقه لرستان تثبیت کرد، به بهانه اینکه «چون والی دوره گرد بساط سلطنت است» و چنانکه او «را به حال خود گذاشتن و توقع مالیات از او نداشتن، شاید رفته رفته موجب طغیان او شود و تجاوز از حد خود نماید و فتنه در مملکت پادشاهی حادث شود». از این رو «در مقام مطالبه مالیات سابق برآمد» و «هفت هشت هزار تومان» مالیات از والی پشتکوه مطالبه و دریافت کرد (محمود میرزا، ۱۳۹۰: ۱۱۶). یکی از کارکردهای نظام مالیاتی این بود که از آن به عنوان شیوه‌ای برای محدود کردن اقتدار حاکمان محلی و مطیع نگاه داشتن آنها استفاده می‌شد.

در سال ۱۲۵۰ق/۱۸۳۴م در اواخر دوره والیگری حسن خان، مالیات سالیانه پشتکوه ۱۵۰۰۰ تومان بود. طوایف کرد، شوهان، محکی، چهار ستونی (پنج ستون) و دیناروند که جمعاً ۱۲۰۰۰ خانوار بودند، بایستی مبلغ مذکور را می پرداختند. والی شخصاً مالیات آنها را جمع آوری و به حاکم کرمانشاه تحویل می داد (راولینسون، ۱۳۶۲: ۱۵۲). بعد از مرگ حسن - خان در سال ۱۲۵۵ق/۱۸۳۹م، پشتکوه میان فرزندان او تقسیم شد. در این میان علی خان فرزند ارشدش به حکمرانی صفحه کرد و احمدخان و حیدرخان به حکمرانی صفحه محکی رسیدند که آن صفحه به دو قسمت مساوی میان آن دو برادر تقسیم شده بود. صفحه محکی نسبت به صفحه کرد آبادتر و پر جمعیت تر بود؛ از این رو مالیات صفحه کرد همیشه کمتر از صفحه محکی بود. در دوره والیان سه گانه (یعنی علی خان، حیدرخان و احمدخان) مالیات دو قسمت صفحه محکی همیشه مساوی و حاکمانشان نیز هم شأن بودند. (ساکما، ۷۳۹۶-۲۹۵: ۱۵۸ تا ۱۶۴)

گاهی حکومت مرکزی ترجیح می داد حکمرانی و وظیفه جمع آوری مالیات منطقه پشتکوه را بطور همزمان به چند والی زاده واگذار کند و یا با گزینش آشکار به یکی از والی زادگان واگذار نماید، چنانچه در این راستا در سالهای ۱۲۷۵ق/۱۸۵۹م تا ۱۲۷۸ق/۱۸۶۱م عباسقلی خان را بر حسینقلی خان ترجیح دادند و پس از ناکامی عباسقلی خان در سال ۱۲۷۸ق/۱۸۶۱م و سپس عدم کفایت اللهقلی خان حکمران صفحه کرد در امر جمع آوری مالیات در سال ۱۲۸۵ق/۱۸۶۸م حکومت مرکزی این دو را عزل و بار دیگر حسینقلی خان را والی و مسئول جمع آوری و پرداخت مالیات قرار داد.

در سال ۱۲۵۳ق/۱۸۳۷م مالیات سالانه لرستان و ایلام ۶۰/۰۰۰ تومان بود و تا سال ۱۲۶۱ق/۱۸۴۵م مالیات این دو منطقه به ۸۰/۰۰۰ تومان افزایش یافت که از این مبلغ، اهالی پشتکوه ۲۰۰۰۰ تومان و لرستانی ها ۶۰۰۰۰ تومان پرداخت می کردند (دوبد، ۱۳۹۳: ۱۱۱). بارون دوبد در مورد نارضایتی مردم از این مقدار مالیات می نویسد: «مردم شکایت می کنند این مبلغ خیلی زیاد است شاید هم چندان بی اساس نباشد؛ زیرا به جز مالیات شاهی، حکام و توشمالان خودشان هم هر وقت بتوانند بدون هیچ بازخواستی آنان را تحت فشار می - گذاشتند» (دوبد، ۱۳۹۳: ۱۱۱).

علی خان، والی صفحه کرد به خاطر نپرداختن به موقع و تمام و کمال مالیات در بسیاری از مواقع مورد تعقیب حاکمان قاجاری و گریزان از آنها بود. پسر و جانشین او اللهقلی خان نیز در سال ۱۲۸۵ق/۱۸۶۸م به واسطه ناتوانی در انجام تعهدات دیوانی و امنیتی از حکمرانی

صفحه کرد عزل شد و حکمرانی آن صفحه به حسینقلی خان واگذار گردید (استادوخ: ۲۶۷-۴۹-۱۲۸۶ ق).

تقسیم پشتکوه بین سه والی، باعث دریافت چندباره مالیات می‌شد. والیان سه‌گانه برای تأمین هزینه‌های خود، پرداخت مالیات سالانه به دیوان و دادن انعام به حاکمان قاجاری بار مالیاتی و عوارضات دو چندانی را بر رعایای پشتکوه تحمیل می‌کردند. همچنین کشمکش این سه والی با هم، دوره‌ای از ناامنی و اغتشاش را رقم زد. هرگاه حکومت مرکزی یکی از این سه والی را به عنوان والی کل پشتکوه منصوب می‌کرد، والی بر طوایف و نزدیکان والیان دیگر سخت می‌گرفت و همین امر یکی از عوامل مهم خرابی پشتکوه و مهاجرت اهالی آن منطقه به عراق بود.

## ۲.۲ مناقشه مالیاتی در دوره عباس‌قلی‌خان (۱۲۷۵ق/۱۸۵۹م تا ۱۲۷۸ق/۱۸۶۱م)

بعد از وفات حیدرخان، فرزندش حسین‌قلی‌خان جانشین او شد و عباسقلی‌خان نیز بعد از وفات پدرش احمدخان به قدرت رسید تا اینکه در سال ۱۲۷۶ق/۱۸۶۰م عباسقلی‌خان به کمک میرزا ابوطالب، پیشکار بروجرد، «پیشکش گزاف داد» و حکمران صفحه حسینقلی-خان گردید (ساکما، ۷۳۹۶-۲۹۵: ۱۵۸ تا ۱۶۴). عباسقلی‌خان در سال ۱۲۷۷ق/۱۸۶۱م برای اینکه حکمرانی‌اش در صفحه محکی تداوم داشته باشد؛ زیر بار مالیات سنگین رفت، مالیاتی که می‌بایست به ضیاءالملک حکمران کل لرستان و خوزستان پرداخت می‌کرد (ساکما، ۷۳۹۶-۲۹۵: ۲۴۱). عباسقلی‌خان در این سال به سختی و به قول خودش با «قرض و اسباب فروشی» توانست مالیات پشتکوه را پرداخت کند (استادوخ: ۴۷-۲-۱۰-۱۲۷۰-۱۲۷۹ ق). اما در سال بعد نه خود و نه رعایای پشتکوه، توان پرداخت مالیات را نداشتند؛ از این رو عباسقلی‌خان برای گرفتن تخفیف مالیاتی، به تهران سفر کرد، ولی نتوانست کاری از پیش ببرد و مالیات پشتکوه در سال ۱۲۷۸ق/۱۸۶۱م «به تعویق» افتاد و «وصول آن مشکل شد» (ساکما، ۷۳۹۶-۲۹۵: ۲۴۱).

در سال ۱۲۷۸ق/۱۸۶۱م مالیات صفحه محکی ۱۷ هزار تومان بود که عباسقلی‌خان تعهد به وصول و ایصال آن کرده بود. مالیات صفحه کرد سه هزار و پانصد تومان بود که علی‌خان می‌بایست پرداخت می‌کرد. در مجموع، مالیات کل پشتکوه بیست هزار و پانصد تومان بود که از این میزان، مبلغ هزار و صد تومان به عنوان «خرج سفر و مواجب پیشکار» عباسقلی-



خان کسر می‌گردید و باقی‌مانده نوزده هزار و چهارصد تومان مالیات می‌بایست پرداخت می‌شد و این مبلغی بود که والیان پشتکوه به عنوان حاکمان جزء، تعهد پرداخت آن را به ضیاءالملک حاکم کل لرستان و خوزستان داده بودند. با این حال ضیاءالملک، سهم مالیات پشتکوه را «بیست و سه هزار و کسری» ذکر می‌کند و متذکر می‌شود هر چه از این مبلغ کمتر وصول شود او می‌بایست از «موجب و حق الحکومه» خودش پرداخت نماید (ساکما، ۷۳۹۶-۱۵۸:۲۹۵ تا ۱۶۴).

عباسقلی خان حکمران صفحه‌محکی که برای اعتراض به مالیات سنگین پشتکوه و گرفتن تخفیف مالیاتی به دربار رفته بود، مدعی شد که علاوه بر «تسک هفده هزار تومان» مالیات صفحه‌محکی، «سه هزار تومان به ضیاءالملک تعارف داده [است]». ضیاءالملک این ادعا را تهمت خواند و فهرست آنچه به عنوان تعارف از عباسقلی خان گرفته بود را آورد که شامل ۲ «اسب کهر» و اقلام دیگری که «به اسم رسوم و خلعت» به اطرافیان ضیاءالملک می‌دهد (ساکما، ۷۳۹۶-۱۵۸:۲۹۵ تا ۱۶۴).

ضیاءالملک با تأکید بر اینکه چارچوب کلی مالیات لرستان را در یک مجلس با حضور و توافق بزرگان لرستان مشخص و با جلب رضایت آنها نیز چهارده هزار تومان تخفیف مالیاتی سالهای قبل برقرار کرده است، به صراحت، اولیای دولت را از دادن تخفیف مالیاتی به عباسقلی خان بر حذر داشت و در این خصوص خطاب به آنها نوشت که: «صریح عرض می‌کنم اگر یک دینار تخفیف [مالیاتی] به عباسقلی خان مرحمت بشود و این معنی بر اهالی لرستان محقق شود، جمع توشمالان و کدخدایان لرستان به همین طمع به دارالخلافه خواهند آمد و چهارده هزار تومان تخفیف [مالیاتی] دوباره برقرار خواهد گردید». همچنین متذکر می‌شود وصول نکردن یکی از ارقام مالیاتی لرستان، سبب وصول نشدن کل مالیات لرستان می‌گردد (ساکما، ۷۳۹۶-۲۹۵: ۱۵۸ تا ۱۶۴).

با این توجیهات ضیاءالملک به اولیای دولت تأکید کرد که اگر می‌خواهید «انتظام ولایت و ایصال مال دیوان بدون تخفیف برقرار باشد». عباسقلی خان را به نزد او بفرستند تا او بتواند هم چشم و گوش اهالی ولایت لرستان را «از انتظار اخبار دارالخلافه و تخفیف دادن دیوانیان بسته نگاه دارد» و هم مالیات را بدون تخفیف از مؤدیان وصول کند. ضیاءالملک در ادامه به بهانه‌ی حفظ نظم در پشتکوه و وصول مالیات آن منطقه، پیشنهاد دیگری به اولیای دولت داد، مبنی بر اینکه «یا باید عباسقلی خان تا شب عید نوروز در تهران بماند یا آنکه حاکم سهم پدر خودش باشد، مشروط بر اینکه تنخواه مأخوذی خود را در تهران تسلیم

[دیوان] کند و سپس نزد او بیاید و «قرار و مدار صفحه خودش» را بدهد و «برود مشغول انجام خدمات دیوانی [شود]» (ساکما، ۷۳۹۶-۱۵۸:۲۹۵ تا ۱۶۴). ضیاءالملک در پایان پیشنهاد داد: چنانچه هیچ یک از خواسته‌های وی در خصوص عباسقلی خان پذیرفته نشود، خود او حکمرانی پشتکوه را تقبل و بیست هزار تومان مالیات پرداخت خواهد کرد (ساکما، ۷۳۹۶-۱۵۸:۲۹۵ تا ۱۶۴).

از آنجا که عباسقلی خان بدون اجازه ضیاءالملک برای دادخواهی مالیاتی و شکایت از زیاده خواهی‌های او به تهران رفت؛ ضیاءالملک از این اقدام به عنوان فرار یاد می‌کند و با این توجیه که چون «پشتکوه بی حاکم مانده» (ساکما، ۷۳۹۶-۲۹۵: ۱۵۰) و «باید ولایت منتظم باشد که مالیات به وصول برسد» حسین‌قلی خان رقیب و پسر عموی عباسقلی خان را حاکم هر دو قسمت صفحه محکی کرد و از اولیای دولت خواست تا این اقدام او را «تقیح» نکنند (ساکما، ۷۳۹۶-۲۹۵: ۱۵۸ تا ۱۶۴). حسین‌قلی خان پرداخت هفده هزار تومان مالیات صفحه محکی را تقبل کرد (ساکما، ۷۳۹۶-۱۵۸:۲۹۵ تا ۱۶۴). در نهایت قرار مالیاتی سال ۱۲۷۸ق/۱۸۶۱م بر این قرار گرفت تا عباسقلی خان، مالیات ۴ ماه از سال و حسین‌قلی - خان مالیات ۸ ماه را پرداخت کند. یکی از اولیای امور به عواقب شوم این کار اشاره کرد که مردم در یک سال نمی‌توانند دوبار مالیات دهند و حسین‌قلی خان نیز با اعمال زور، آتش زدن و غارت اموال رعیت، مالیات را وصول می‌کند و لذا ایلات و طوایف به خاک عثمانی فرار می‌کنند (ساکما، ۷۳۹۶-۲۹۵: ۳۷).

عباسقلی خان بعد از رفتن به تهران، برادرش کرم‌خان را جانشین خود کرد. با استقرار حسین‌قلی خان در صفحه موروئی خودش، کرم‌خان با هزار و هفتصد سوار و پیاده به اردوی حسین‌قلی خان هجوم آورد که پس از کشته شدن تعدادی از نیروهای طرفین، حسین‌قلی خان با کمک «سیصد سوار بزجلو» و سواران «کردبچه» موفق به شکست کرم‌خان گردید. کرم‌خان پس از این شکست به همراه پانصد خانواده طرفدار عباسقلی خان به عراق فرار کرد (ساکما، ۷۳۹۶-۲۹۵: ۴۰۵). بیشترین تعداد خانوارهای پشتکوه بواسطه این اختلافات به عراق مهاجرت کردند.

عباسقلی خان، تنها والی پشتکوه بود که برای اعتراض و دادخواهی نسبت به سنگینی بار مالیاتی رعایای پشتکوه به تهران رفت، ولی نه تنها نتوانست اولیای حکومت مرکزی را راضی به لحاظ کردن تخفیف مالیاتی رعایای پشتکوه نماید، بلکه این اقدام باعث شد تا از حکمرانی صفحه محکی عزل و حسین‌قلی خان جانشین او گردد و سهم رعایای پشتکوه از

این مناقشه مالیاتی، پرداخت دوباره مالیات در سال بود که بسیاری به جهت ناتوانی در پرداخت آن به عراق گریختند.

## ۳.۲ مالیات در دوره حسین قلی خان و غلامرضا خان (۱۲۷۸ق/۱۸۶۱م تا ۱۳۴۶ق/۱۹۲۷م)

حسین قلی خان و غلامرضا خان با درس گرفتن از تجربه مالیاتی دوره عباسقلی خان، تعدیلی در نظام مالیاتی پشتکوه ایجاد کردند و با پرداخت مالیات مقرر به حکومت مرکزی تأیید و حمایت حاکمان قاجاری را کسب کردند و بخوبی دریافته بودند که خودداری از پرداخت مالیات یعنی عدم اطاعت از حکومت و برابر با شورش بود (فلور، ۱۳۹۴: ۴۰۸). حسین قلی - خان توانست با کمک اعتماد الدوله حاکم کرمانشاه، سرحداران زهاب، میرزا محبعلی خان مسئول تحدید حدود ایران و کارپردازی بغداد، وضعیت پشتکوه را برای اولیای حکومت مرکزی تشریح کند و موافقت آنها را با تخفیف مالیات به دست آورد.

کنسول ایران در مندلی، مالیات سالانه پشتکوه را در اوایل حکمرانی حسینقلی خان ۶/۰۰۰ تومان ذکر کرده که در اواخر حکمرانی این والی به ۱۲/۰۰۰ تومان و در ابتدای والیگری غلامرضا خان به ۱۸/۰۰۰ تومان افزایش یافت. وی مالیات سالانه را با عوارض و سیورساتی که والی از سال ۱۲۷۷ ش / ۱۸۹۹ م به بعد از رعایای پشتکوه می گرفته ۳۰۰/۰۰۰ تومان برآورد کرده است، لیکن بر اساس صورت حسابی که او از دفتر مالیاتی والی به دست می دهد، مجموع مالیاتی که غلامرضا خان والی در سال ۱۳۰۴ ش / ۱۹۲۵ م به اجاره داده است، مبلغ ۹۸۳۵۰ تومان می باشد (استادوخ: ۹۲-۷۲-۲۹-۱۳۰۴ ش). اگر این مبلغ را با دیگر مالیات های مرسوم در پشتکوه، عوارض های مختلف و با آنچه مباشرین جمع - آوری مالیات به ناحق از مردم می گرفتند، محاسبه کنیم، مبلغ ۳۰۰/۰۰۰ تومان دور از واقعیت نمی نماید.

بنابر اسناد مالی پشتکوه، مالیات سالانه پشتکوه از سال ۱۲۸۵ ش / ۱۹۰۶ م تا سال ۱۲۹۹ ش / ۱۹۲۰ م سالانه ۱۶۲۰۰۰ قران و از سال ۱۲۹۹ ش / ۱۹۲۰ م تا سال ۱۳۰۴ ش / ۱۹۲۵ م ۱۷۵۳۶۰ قران بوده است (ساکما: ۱۴۰۰۱۱۳۲۳). مالیات معوق والی پشتکوه شیوع داشت و مهلت دادن هم ممکن بود. برای مثال در سال ۱۲۹۸ ش / ۱۹۱۹ م قوام الدوله حاکم کل لرستان بقایای مالیاتی یازده ساله پشتکوه را به مبلغ یازده هزار تومان خاتمه داد (ساکما، ۱۳۴-۱۱۳۲۳-۲۴۰). در سال ۱۳۰۴ ش / ۱۹۲۵ سرتیپ ابوالحسن خان از بابت بقایای مالیاتی

شش ساله - از سال ۱۲۹۸ش/۱۹۱۹م تا ۱۳۰۳ش/۱۹۲۴م پشتکوه مبلغ ۴۸۰۰۰ هزار تومان وصول کرد (ساکما، ۱۴۶-۱۱۳۲۳-۲۴۰).

در جریان سرکوب شیخ خزعل در سال ۱۳۰۳ش/۱۹۲۴م غلامرضاخان والی پشتکوه به عراق فرار کرد و پشتکوه به تصرف نیروهای دولتی درآمد. با این حال رضاخان، والی را بخاطر خدمات دیوانی و امنیتی گذشته‌اش مورد عفو قرار داد و دوباره به عنوان والی پشتکوه منصوب کرد (مرادی مقدم، ۱۳۸۵: ۱۸۴).

در سال ۱۳۰۴ش/۱۹۲۵م رئیس مالیه بروجرد مبلغ ۲۴ هزار تومان مالیات از والی پشتکوه وصول کرد. وی برای نفوذ کامل حکومت مرکزی در پشتکوه پیشنهاد تأسیس اداره مالیه در پشتکوه را داد و از وزارت مالیه خواست تا بخشی از وجه دریافتی از والی برای ساخت اداره مالیه اختصاص داده شود (ساکما، ۱۳۲-۱۱۳۲۳-۲۴۰). در این راستا دولت ایران در سال ۱۳۰۵ش/۱۹۲۶م مبلغ ۴۰۰۰۰ قران برای ساختن اداره مالیه پشتکوه و چهارده هزار تومان نیز برای ایجاد پست‌های گمرکی پشتکوه اختصاص داد (ساکما، ۱۲۹-۱۱۳۲۳-۲۴۰). در سال ۱۳۰۶ش/۱۹۲۷م مقدمات وصول مالیات از سوی مأموران دولتی بصورت مستقیم از رعایای پشتکوه فراهم گردید (ساکما، ۷۳-۱۱۳۲۳-۲۴۰). در نهایت رضاشاه در سال ۱۳۰۷ش/۱۹۲۸م به والیگری غلامرضاخان و نظام مالیاتی والیان خاتمه داد و با تأسیس اداره مالیه و پست‌های گمرکی، دولت مرکزی عهده‌دار جمع‌آوری مالیات از منطقه پشتکوه شد.

## ۴.۲ نقش مالیات در تداوم حکمرانی والیان فیلی در دوره قاجار

به طور معمول، والیانی مورد تأیید و حمایت حکام قاجار قرار می‌گرفتند که مالیات سالیانه را به موقع می‌پرداختند. از این رو، آنان برای آنکه برکنار نشوند، از هر راه ممکن از مردم مالیات می‌گرفتند. والیان پشتکوه حاکمان جزئی محسوب می‌شدند که هر ساله مالیات مقرری را که مبلغ آن دیوان اعلی مشخص کرده بود به حاکمان کل کرمانشاه و لرستان پرداخت می‌کردند و آنها نیز مالیات را برای دیوان اعلی در تهران می‌فرستادند. هرگاه والی وقت نمی‌توانست مالیات درخواستی را وصول و به حاکمان کل پرداخت نماید، مورد غضب آنها واقع می‌شد که در نتیجه آن، یا عمله والی را غارت می‌کردند و یا او را عزل و فرد دیگری که تعهد پرداخت مالیات را می‌داد به عنوان والی انتخاب می‌کردند.

نظام مالیاتی مهم‌ترین نقش را در تحولات سیاسی پشتکوه ایفا می‌کرد. چرا که مالیات، عامل مهمی در تداوم حکمرانی والیان فیلی در پشتکوه بود. در تبیین این مدعا باید گفت که حاکمان قاجار به تجربه دریافتند که والیان فیلی با توجه به تجربه و سابقه حکمرانی‌شان در آن منطقه، بهتر از شاهزادگان قاجار و حاکمان منسوب دیگر، مالیات را از ایلات و طوایف پراکنده پشتکوه وصول و به آنها پرداخت می‌کردند. قاجارها چندین بار خواستند تا به حکمرانی والیان فیلی در پشتکوه خاتمه دهند، اما این امر به علل مختلفی از جمله به صرفه نبودن مقدار مالیات و دشواری جمع‌آوری آن تا انقراض آن سلسله ممکن نشد. حسام السلطنه در سال ۱۲۴۵ق/۱۸۲۹م در دوره حسن‌خان در صدد برآمد تا پشتکوه را به‌طور مستقیم تحت حکمرانی خود در آورد، ولی پس از «سه چهار ماه» سودی از اقدام خود نبرد و بهتر دید تا پشتکوه توسط والیان فیلی اداره شود. حتی برای مدتی «رقم» ملک پشتکوه را به شجاع‌الملک میرزا، حاکم دزفول، دادند؛ اما باز نتوانست مالیات مقرر را جمع‌آوری و پرداخت کند (محمود میرزا، ۱۳۹۰: ۱۸۰). در واقع شاهزادگان قاجاری پی‌بردارند، منطقه مرزی، اکثریت کوچ‌نشین و گچ‌زار پشتکوه نه شهری برای آسایش و نه ثروتی برای مال اندوزی آنها دارد؛ همان بهتر که در دست والیان پشتکوه باشد تا آنها با توجه به سابقه حکمرانی و شناختی که از منطقه داشتند هم امنیت را برقرار و هم تاجایی که امکان داشت مالیات بپردازند.

والیان پشتکوه نسبت به توان و قدرت خود واقع‌بین بودند و به خوبی می‌دانستند تحت هیچ شرایطی یارای شورش و جنگ علیه حکومت مرکزی را ندارند و حاکمان قاجاری با آگاهی از این امر، حداکثر مالیات ممکن را بر آنها تحمیل می‌کردند. والیان نیز ناگزیر بودند به انحاء مختلف مالیات مقرر را بپردازند. در سال ۱۲۶۸ق/۱۸۲۵م میرزا آقاخان نوری صدر اعظم ایران تاکید کرد که پادشاه، «عجز و قصوری» در مطیع ساختن والیان سه گانه پشتکوه ندارد

هرگاه رأی جهان آرای همایون اقتضا نماید که پشتکوه و ولات به کلی منهدم و معدوم شود لله الحمد برای کارگزاران دولت سهل و ممکن است، ثانیاً خدمتی که از آنها مقصود و منظور است دادن مالیات است و اهتمام در موقع خدمت و این دو را اقبالاً به طور ناقص در آنها هست (احتشامی، ۱۳۸۳: ۴۸ و ۴۹).

حسین‌قلی‌خان مقتدرترین والی پشتکوه همیشه در عمل و در مکاتباتش با اولیای دولت ایران خود را مطیع و فرمانبردار و مجری دستورات حکومت مرکزی ایران نشان می‌داد و در

مکاتباتش خود را «غلام دولت علیه قاهر»، معرفی می‌کرد (استادوخ، اسناد مکمل، کارتن ۵۵، سند شماره ۴۶). بطور کلی حسین‌قلی خان با انجام خدمات دیوانی، نظامی و امنیتی توانست اولیای امور را از خود راضی نگاه دارد. ناصرالدین‌شاه خود گفته بود که نتوانست حسین-قلی خان، والی پشتکوه که از جمله حکمرانان بسیار مهم در کشور بود از کار برکنار کند (ویلم فلور، ۱۳۹۴: ۲۴۷). رئیس مالیه بروجرد که وظیفه وصول مالیات پشتکوه را به عهده داشت تصدیق کرد که غلامرضاخان والی پشتکوه در موضوع پرداخت مالیات فردی «مستکف<sup>۵</sup> نبوده هر کسی بنام دولت می‌رفته کم و بیش مالیات خود را می‌داده» است. (ساکما، ۱۳۴-۱۱۳۲۳-۲۴۰) برای همین حکومت مرکزی بهانه لازم برای کنار گذاشتن او نداشت.

### ۳. رابطه نظام مالیاتی با حفظ امنیت داخلی منطقه پشتکوه و دفاع از مرزهای ایران

یکی از وظایف والیان پشتکوه تأمین امنیت و حفظ مرزهای قلمروشان در برابر تهاجم عثمانی‌ها و اعراب مرزی بود؛ از این رو آنها دسته سربازهای محلی تشکیل داده بودند و در این راستا بکار می‌گرفتند و جیره و مواجب این سربازان نیز از طریق مالیات‌هایی که از رعایای پشتکوه اخذ می‌کردند، پرداخت می‌شد. هنگامی که فشار مالیاتی سنگین می‌شد بخشی از خانواده‌های این سربازان به خاک عثمانی فرار می‌کرد، لذا بخشی از سربازان محلی به همراه خانواده‌هایشان به خاک عثمانی می‌رفتند. مبلغ مالیاتی هم که از باقی مانده رعایای پشتکوه گرفته می‌شد برای پرداخت مالیات کافی نبود؛ از این رو والیان پشتکوه در اواخر دوره والیان سه‌گانه، دیگر توان پرداخت جیره و مواجب دسته سربازهای محلی پشتکوه را نداشتند و متقابلاً عدم پرداخت جیره سربازان موجب متلاشی شدن دسته سربازان شد. مالیات در دوره والیان پشتکوه، مهم‌ترین عاملی بود که باعث مناقشه میان آنها با اولیای حکومت مرکزی می‌شد. اوج این مناقشات مالیاتی در بین سالهای ۱۲۷۵ق/۱۸۵۹م تا ۱۲۷۸ق/۱۸۶۱م اتفاق افتاد و این مناقشات بر امنیت منطقه مرزی پشتکوه نتایج مخربی داشت. عباسقلی خان مدعی بود بخشی از مالیات را صرف خرید جنس اعلا به قیمت «خرواری پنج تومان» برای قشون دولتی کرده است. حسین‌قلی خان ضمن رد این ادعا او را متهم به عدم پرداخت جیره کرد (ساکما، ۷۳۹۶-۲۹۵: ۲۳۳). هم‌چنین حسین‌قلی خان برای رد ادعای عباسقلی خان در خصوص پرداخت مواجب به «دو دسته سرباز پشتکوهی»

درخواست کرد تا آنها را احضار و حقیقت امر را جویا شوند. حسین قلی خان با ذکر موارد فوق عباس قلی خان را به عنوان عامل «بی‌پایی» «دو دسته سرباز پشتکوهی» و «فوج امرائی» معرفی کرد (ساکما، ۷۳۹۶-۲۹۵: ۲۳۱)؛ همچنین عدم لیاقت او را عامل تهاجم عثمانی به خاک ایران و تصرف معادن نمک پشتکوه دانست (ساکما، ۷۳۹۶-۲۹۵: ۲۳۳).

عباس قلی خان در نامه‌ای به کارپرداز ایران در بغداد مدعی است که هزار سوار را جیره و موجب می‌داده و در جهت حفظ سرحد بکار می‌گرفته است، وی همچنین مناقشه مالیاتی در دوره ضیاءالملک را باعث پراکنده شدن سواران مزددار می‌داند و در این راستا می‌نویسد:

مدتها بود بنده حاکم کل پشتکوه بودم، هزار سوار از خود جیره و موجب می‌دادم، جهت حفظ سرحد... مالیات پشتکوه هم سنگین نبود. رعیت هم آباد بودند نه از پاشایان معتبر رومی و نه از مشایخ بزرگ اعراب احدی جسارت و قدرت این نبود نزدیک خاک پشتکوه بیاید، چه رسد به این که بیاید بعضی جاها را ضبط نماید... در اقل حکومت جناب ضیاءالملک به... دارالخلافه رفتم... در غیاب مخلص اوضاعی فراهم آورده بودند که رعیت به کلی تمام متفرق شدند و نوکری که داشتم جهت سرحداری، نصف پریشان و بی‌پا شدند (استادوخ: ۴۸-۲-۱۰-۱۲۷۹-۱۲۸۰ ق).

علی خان و اله‌قلی خان والیان صفحه کرد، به واسطه ناتوانی در جمع‌آوری و پرداخت به-موقع و کامل مالیات سالانه مورد تعقیب حاکمان قاجاری بودند، به این جهت این دو والی نتوانستند روی حفظ امنیت قلمروشان تمرکز داشته باشند و در زمان آنها نیروهای عثمانی و اعراب، شهر باغسای و قریه‌های دهلران و بیات را ویران کردند و اکثریت رعایای این مناطق پراکنده شدند (مرندی یکانلو، ۱۳۹۵: ۱۱۰).

در دوره حسین قلی خان و غلام‌رضاخان، مناقشات مالیاتی به ندرت بین آنها و اولیای دولت به وجود آمد و این دو والی استحکامات دفاعی و قلعه‌های مرزی را تقویت کردند و به نیروهای محلی پشتکوه سروسامان دادند و از آنها در جهت تأمین امنیت رعایای پشتکوه استفاده کردند و بارها توانستند تجاوزات اعراب و عثمانی به مرزهای پشتکوه را دفع کنند. در صورت مخارجی که غلام‌رضاخان والی از مالیات یازده ساله (۱۲۸۷ ش/ ۱۹۰۹ تا ۱۲۹۸ ش/ ۱۹۲۰ م) ارائه می‌دهد. عناوین «مخارج احداث قلاع برای استحکام نقاط سرحدی»، برای «[احداث] قلعه دهلران»، «احداث قلعه باغسائی»، «احداث قلعه صیفی»، «احداث قلعه رضا آباد» دیده می‌شود. همچنین بخشی از مالیات یازده ساله مذکور،

صرف پرداخت موجب به «تفنگچی‌های ساخلوی قلعه دهلران»، «تفنگچی‌های ساخلوی قلعه باغسائی»، «تفنگچی‌های قلعه صیفی» و «تفنگچی‌های قلعه رضاآباد» می‌گردد (ساکما، ۱۵۵-۱۱۳۲۳-۲۴۰). علاوه بر این والی بخشی از درآمدهای مالیاتی را به «فوج پشتکوه» اختصاص داد (ساکما، ۱۵۷-۱۱۳۲۳-۲۴۰).

در سال ۱۲۸۴ق/۱۸۶۷م هزار تومان تخفیف مالیاتی سالهای قبل پشتکوه برقرار گردید. یکی از اولیای امور در مکاتبه‌ای با ناصرالدین شاه خدمات بی‌نظیر حسین قلی‌خان در دفاع از مرزهای ایران در مقابل عثمانی‌ها و اعراب را یادآور می‌شود و توضیح می‌دهد که مجموع تفنگچی‌های طوایف پشتکوه دو هزار نفر هستند و حسین قلی‌خان برای چهارصد سوار اسب و موجب تدارک دیده بود. وی با جرأت ابراز می‌دارد: «اگر معادل مالیات پشتکوه به حسینقلی‌خان و اتباع او موجب و مرسوم التفات می‌شد به عوض ملاحظات صلاح دولت ابد مدت بود» در پایان تقاضا می‌کند در قبال خدمات مزدرداری آن هزار تومان تخفیف مالیاتی را که دوباره برقرار شده بود به عنوان انعام به والی پشتکوه دهند (استادوخ: اسناد مکمل، کارتن ۵۴ - شماره سند ۲۱۶).

در سال ۱۲۸۹ق/۱۸۷۲م حشمت‌الدوله حاکم کل لرستان و خوزستان در صدد برآمد تا تمامی تخفیف‌های مستمر مالیاتی پشتکوه که بالغ بر شش هزار تومان می‌شد را برقرار نماید. میرزا محب‌علی‌خان مسئول تحدید حدود ایران و عثمانی در مکاتبه‌ای با وی این اقدام را امری ناصواب می‌داند و متذکر می‌شود که حمایت از حسینقلی‌خان والی پشتکوه و رعایت حال رعایای پشتکوه به منفعت دولت است تا گرفتن شش هزار تومان مالیات اضافی و برای توجیه نظر خود اقدامات مؤثر والی پشتکوه در دفاع از مرزهای ایران را یادآور می‌شود و در این راستا چنین آورده است:

از مبداء آذربایجان تا مقطع عربستان هیچ قلمرو و سرحدی نداریم که امتداد خط سرحد آن به قدر پشتکوه یا نصف پشتکوه بوده باشد و در همه آنها قشون دولتی و نوکر دولتی داریم و باز هنگام ظهور غایله اسباب تشویش زیاد و مقتضی صرف اهتمامات مخصوصه فعلیه می‌شود و [این در حالی است] هیچ کدام بقدر پشتکوه در معرض تخطی و توجه انظار طماعیه عثمانیه نیست و هیچ نوکر دیوانی و موجب سرباز و سواری در پشتکوه به خرج دولت منظور نمی‌شود... معهذا هنگام ظهور غایله بی‌آنکه... اسباب اعتناء و تشویش اولیای دولت علیه شود به دو کلمه حکمی که والی طرد کند اکتفا و تحصیل اطمینان می‌شود؛ سهل است دست پاچگی از آن طرف می-



نقش نظام مالیاتی در تحولات سیاسی و اجتماعی ... (مراد مرادی مقدم و اصغر غفاری واحد) ۲۸۳

شود که مبدا والی این اجازت را اسباب تعدی و تخطی خود به خاک عثمانی قرار بدهد (استادوخ: مکمل، کارتن ۵۴، سند شماره ۲۷۷).

میزان مالیات پشتکوه، بیش از سایر مناطق مرزنشین غرب کشور از منازعات مرزی دو کشور ایران و عثمانی متأثر بود و این منازعه شامل چندین دهه درگیری دو کشور بر سر شهر باغسائی، اراضی صیفی و ملخطاوی و بخش وسیعی از منطقه گرمسیر پشتکوه بود. هجوم مکرر نیروهای عثمانی و اعراب به مناطق مذکور و قریه‌های دهلران و بیات موجب ویرانی این مناطق شد؛ در نتیجه اهالی پشتکوه از زراعت و سکونت مداوم در زمین‌های وسیع، حاصلخیز و آبی آن مناطق محروم شدند و به تبع آن والیان پشتکوه نیز بخش مهمی از منابع مالیاتی خود را از دست دادند. از همین رو بود که میرزا محبعلی‌خان، نماینده ایران در کمیسیون تحدید حدود ایران و عثمانی، به علت «بلا زرع» شدن مناطق مذکور، از اولیای دولت درخواست تخفیف مالیات پشتکوه را می‌نماید (استادوخ، اسناد مکمل، شماره سند ۲۴۶، کارتن ۵۴). همچنین کارپرداز ایران در بغداد در سال ۱۲۸۳ق/۱۸۶۶م متذکر شد که حسین‌قلی‌خان به واسطه خرابی و فقر پشتکوه و پراکنده شدن اهالی منطقه، قادر به پرداخت مالیات دیوان نیست (استادوخ، اسناد مکمل ۲۱۹-۵۴-۱۲۸۳). افزون بر این، حاکم کرمانشاه و سرحددار زهاب به علل مذکور درخواست تخفیف مالیات برای مردم پشتکوه نمود (استادوخ، اسناد مکمل ۴۱۷-۵۴-۱۲۸۳). در نهایت اولیای دولت با در نظر گرفتن شرایط خاص پشتکوه، تخفیف مالیاتی به مبلغ ۵/۰۰۰ تومان برای منطقه پشتکوه لحاظ کردند (استادوخ، اسناد مکمل، کارتن ۵۴- شماره سند ۴۱۳).

یکی از عوامل مهم بروز منازعات مرزی در منطقه پشتکوه و سرآغاز ادعاهای ارضی عثمانی نسبت به مناطق مرزی پشتکوه، مناقشه مالیاتی منطقه پشتکوه بین سالهای ۱۲۷۵ق/۱۸۵۹م تا ۱۲۷۸ق/۱۸۶۱م بود؛ چرا که یکی از نتایج تحمیل مالیات سنگین، از هم پاشیده شدن دسته سربازهای محلی پشتکوه بود که به دنبال آن والیان پشتکوه دیگر قادر به دفع تهاجمات اعراب و عثمانی‌ها نبودند و یک دوره فترت در منطقه پشتکوه به وجود آمد که عثمانی‌ها از آن استفاده کرده و ضمن ایجاد ناامنی و ویران کردن شهر باغسائی و قریه‌های دهلران و بیات، ادعای ارضی بر باغسائی، اراضی صیفی و ملخطاوی و معادن نمک پشتکوه مطرح کردند که تا عقد قرارداد مرزی ۱۹۱۴م ایران و عثمانی و ضمیمه شدن منطقه باغسائی به خاک عثمانی تداوم یافت. از آنجا که بخش عمده‌ای از مالیات اهالی پشتکوه از اراضی کشاورزی باغسائی، دهلران، صیفی و ملخطاوی تأمین می‌شد، از این رو

هرگاه آن اراضی توسط نیروهای عثمانی و اعراب عراق ویران می‌شد، مردم دیگر قادر به پرداخت مالیات نبودند و این در حالی بود که حکومت مرکزی برای چندین سال بدون توجه به وضعیت اهالی پشتکوه از والیان مطالبه مالیات می‌کرد و آنها نیز هرچه که مردم داشتند با رضایت یا با زور از آنها می‌گرفتند (استادوخ، ۴۷-۲-۱۰-۱۲۸۰-۱۲۷۹ ق). به دنبال تداوم این وضعیت، بخش زیادی از اهالی پشتکوه به‌ویژه اهالی باغسائی، صیفی و ملخطای به عراق مهاجرت کردند، چراکه از یک سو امنیت آنها تأمین نمی‌شد و قادر به زراعت و دامداری در آن اراضی نبودند و از سوی دیگر ملزم به پرداخت مالیات بودند.

والیان پشتکوه برای استخدام و پراخت حقوق به سربازان جهت حفظ امنیت داخلی پشتکوه و دفاع از مرزهای ایران در مقابل تهاجم عثمانیها و اعراب و هم‌چنین برای پرداخت مواجب به مستمری بگیران به درآمدهای مالیاتی پشتکوه نیاز مبرم داشتند، حال حاکمان کل بدون توجه به این امور، مالیات سالانه را بر والیان پشتکوه تحمیل می‌کردند.

#### ۴. نقش مالیات در تحولات اجتماعی پشتکوه

در دوره قاجار حکومت مرکزی با تکیه بر والیان پشتکوه قدرت خود را بر منطقه اعمال می‌کرد. والیان اغلب، با رعیت خود بسیار سختگیرانه رفتار می‌کردند. اما همزمان پشتیبانی آنها را برای حفظ خود مختاری محلی نیاز داشتند. والیان، سالانه یکی از طوایف پشتکوه را از بعضی عوارض معاف می‌کردند و آن طایفه را پشتیبان خود قرار می‌دادند و در راستای اهداف خود بکار می‌گرفتند (ساکما، ۲۰۶-۱۱۳۲۳-۲۴۰).

والیان برای پرداخت مالیات سالانه به دیوان اعلی، دادن انعام به حاکمان قاجاری، تأمین هزینه دربارشان و جیره و مواجب سربازانشان از رعایای پشتکوه، مالیات و عوارضات<sup>۷</sup> گوناگونی می‌گرفتند. برخی از رعایا هم به عنوان عمده به بیگاری گرفته می‌شدند. به‌طور کلی نظام مالیاتی، مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در تحولات اجتماعی پشتکوه بود. تحمیل فقر، عدم شکل‌گیری زندگی یکجانشینی، از هم پاشیده شدن طوایف و مهاجرت گسترده، از مهم‌ترین پیامدهای نظام مالیاتی پشتکوه بود.

#### ۱.۴ تحمیل فقر و محرومیت

چرخه جمع‌آوری مالیات که شامل والی، مستأجرین و ملتزمین، توشمالان و کدخدایان می‌شد، همه فعالیت‌های ایلات و طوایف را زیر نظر می‌گرفتند و همه کوشش خود را مصروف اخذ بیشترین مالیات از آنها می‌کردند که به تنگدستی رعایای پشتکوه و فرار دسته جمعی یا فردی رعایای پشتکوه منجر می‌شد. مشیرالدوله که در سال ۱۲۶۸ ق در دوره والیان سه‌گانه از پشتکوه دیدار کرد، اهالی آن منطقه را به دو دسته تقسیم می‌کند: یک گروه که روزگار را به «بی‌کاری»، «ول‌گردی» و «سرفت» می‌گذراندند و گروهی دیگر به «جمع گله و رمه» راغب بودند. وی در خصوص ظلم مالیاتی حاکم بر پشتکوه نیز گزارش می‌دهد: اهالی پشتکوه «آنچه هم به عنوان مداخل و کسب به دست می‌آورند چه حلال و چه حرام، توشمالان ایشان حقاً و ظلماً از آنها می‌گیرند» (مشیرالدوله، ۱/۱۷۹۶۸: ۶۳).

از دوره حسین‌قلی‌خان به بعد رعایای پشتکوه به دو دسته «مال‌بده» و «مال‌معاف» تقسیم شدند. همین امر باعث شد خانواده‌های مال‌معاف، ثروتمند و کاملاً وفادار به والی شوند (رفعتی، ۱۳۸۶: ۳۴). یکی از پیامدهای نظام مالیاتی دوره والیان، تحمیل فقر به رعایای پشتکوه بود. حاج سیاح در سال ۱۲۹۷ ق/۱۸۸۰م در مسافرت به پشتکوه، فقر و محرومیت رعایای پشتکوه را چنین توصیف می‌کند: «در بعضی جاها اشخاص فقیر بیچاره دیده می‌شدند که لباس تنشان از کهنگی و پارگی مثل رشته و پاره که به درخت‌ها می‌بندند از تنشان آویزان بود...گاهی کسی دیده می‌شد که لباس یا اسبی داشت، بعد از تحقیق معلوم می‌شد که از نوکران والی است. گله گوسفند یا رمه اسبی دیده می‌شد؛ بعد از تحقیق معلوم می‌شد مال خود والی است. رعایا و سکنه به چیزی مالک نیستند» (حاج سیاح، بی‌تا: ۲۲۵). هنگامی که حاج سیاح از حسین‌قلی‌خان والی می‌خواهد که مالیات از رعایای فقیر پشتکوه نگیرد، والی در جواب می‌گوید: «اینها رعیت هستند، رعیت خود ظلم می‌خواهد، رعیت تابع ظلم است و احسان بر نمی‌دارد» (همان: ۲۲۸).

#### ۲.۴ تحمیل زندگی کوچ‌نشینی

یکی دیگر از پیامدهای نظام مالیاتی سنگین در دوره والیان، تحمیل کوچ‌نشینی و عدم شکل‌گیری و تداوم زندگی یکجانشینی بود، چرا که رعایای پشتکوه به تجربه به این باور رسیده بودند که مال باید پادار و منقول باشد نه ثابت، زیرا اگر با زیاده خواهی والیان مواجه

شدند و یکی از درباریان به غرض آنها را متهم به یاغی‌گری کرد، بتوانند اموال خود را به سهولت به جای امنی انتقال دهند (همان: ۲۲۶). همین نگاه باعث می‌شد تا رعایای پشتکوه رغبتی به زندگی یکجانشینی و تشکیل روستا و شهر نداشته باشند و همه به زندگی کوچ-نشینی روی بیاوند. این در حالی بود که همین رعایای پشتکوه که به عراق مهاجرت می-کردند بلافاصله خود مبادرت به ایجاد روستاها و آبادی‌هایی در کنار دجله کردند یا در شهرهای عراق ساکن شدند. علاوه بر این، ایجاد عمارت و بنایی برای سکونت نیاز به انباشت سرمایه داشت، امری که باتوجه به نظام مالیاتی پشتکوه غیر ممکن بود.

#### ۳.۴ از هم پاشیده شدن طوایف پشتکوه

عشایر پشتکوه زیر سلطه کامل اجتماعی، سیاسی و نیز قضایی والی، نایب‌الحکومه‌ها، توشمالان و کدخدایان قرار داشتند. هر طایفه‌ای سردسیر را در املاک مشاع خود و گرمسیر نیز در دشت‌های وسیع پشتکوه در مرز ایران و عثمانی به سر می‌بردند. ایلات و عشایر پشتکوه تردد و آزادی بیشتری نسبت به روستانشینان داشتند و در شرایطی که زندگی را در منطقه پشتکوه غیر ممکن می‌یافتند به مناطق اطراف خود، بویژه به خاک عراق مهاجرت می-کردند. چنانچه طایفه ای بی‌با و از تخفیف مالیاتی یا معافیت مالیاتی بهرمنند نمی‌شدند، کسانی که از آن طایفه، قادر به پرداخت مالیات نبودند بطور معمول دست به فرار می‌زدند. در صورت خودداری ایل و طایفه‌ای از پرداخت مالیات طبعاً زور بر آنها تحمیل می‌شد، چرا که عدم پرداخت مالیات در حکم سرکشی بود. در دوره والیان، طوایف زیادی بواسطه سنگینی بار مالیاتی ناگزیر به مهاجرت به مناطق اطراف پشتکوه در ایران و بویژه به عراق شدند و از هم پاشیدند (استادوخ: اسناد مکمل، کارتن ۵۴، سند شماره ۲۶۸؛ ضمیمه شماره ۱). برای مثال: در سال ۱۲۸۹ق/۱۸۷۲م طایفه ملخطاوی ساکن مهران به علت سنگینی مالیات درخواستی حسینقلی خان والی پشتکوه به عراق فرار کردند. میرزا محبعلی خان رئیس کمیسیون سرحدی ایران و عثمانی که از نزدیک شاهد ماجرا بود در مکاتبه‌ای به وزارت خارجه اطلاع می‌دهد که والی، افرادی را نزد آن طایفه برای استمالت و برگرداندن آنها به محل‌هایشان می‌فرستد و در ادامه تأکید می‌کند که «اگر [آن طایفه] هم بر نگردند عذر والی موجه است، زیرا که والی با آنها مثل معامله دیوان با والی رفتار نموده است» (استادوخ: اسناد مکمل، کارتن ۵۹، شماره سند ۳۰۴)؛ همچنین حسینقلی خان والی، مدعی است پس از چندین سال که خود، بدهی مالیاتی طایفه دیناروند را پرداخت می‌کرد درصدد بر می‌آید تا

همچون دیگر طوایف پشتکوه مالیات از آنها اخذ نماید، همین مسئله موجب می‌شود تا آن طایفه به میان اعراب عراق بروند؛ از این رو حسینقلی خان تعدادی سوار برای ممانعت از رفتن و برگرداندن آنها می‌فرستد که در مواجهه با همان اعراب که طایفه مزبور را پناه داده بودند ده نفر از سواران والی کشته می‌شوند. حسینقلی خان در مکاتبه‌ای با کارپرداز ایران در بغداد متذکر می‌شود: «اولیای اشخاص مقتول ادعای دیه دارند، دیوانیان عظام مطالبه مال و منال دیوانی می‌کنند، مخلص مال و اسلحه متضرر شده، رعیت بکلی از سر محل زندگی خودشان برداشته‌اند، ارادت شعار در این سرحد مظلوم واقع افتاده [ام]» (استادوخ: اسناد مکمل، کارتن ۱۳۹، سند ۲۹۲).

#### ۴.۴ مهاجرت گسترده

مهم‌ترین عامل از هم پاشیده شدن ایلات و طوایف و فرار گسترده رعایای پشتکوه به عراق و خوزستان، لرستان، همدان و کرمانشاه تحمیل نظام مالیاتی سنگین و عوارض مختلف بود (استادوخ: اسناد مکمل، کارتن ۵۴، سند شماره ۲۶۸) حسینقلی خان در خصوص چگونگی وصول مالیات توسط عباسقلی خان و تأثیر آن بر فرار ساکنان پشتکوه به خاک عثمانی می‌نویسد: «اول مالیات را از طوایف وصول کرده و بعد... آنها را غارت نمودند، بعد از نهب و قتل، فرار کرده، بعضی به ملک کرمانشاهان و اغلب به ملک روم رفته‌اند» (ساکما، ۷۳۹۶-۲۹۵: ۲۳۱).

عباسقلی خان از سال ۱۲۷۶ ق/ ۱۲۳۸ ش/ ۱۸۶۰ م به بعد برای اینکه حکمرانی‌اش در صفحه محکی تداوم داشته باشد زیر بار مالیات سنگین رفت. از این رو، وی برای پرداخت مالیات مقرر، از رعایای پشتکوه، مطالبه مالیات بیشتری می‌کرد و همین امر باعث شد تا ایلات و طوایف، توان پرداخت مالیات سنگین را نداشته باشند و از هم بپاشند و اکثریت به عراق فرار کنند. به طوری که از سی هزار خانوار پشتکوه در قبل از سال ۱۲۷۶ ق/ ۱۲۳۹ ش/ ۱۸۶۱ م، کمتر از سه هزار خانوار در سال ۱۲۷۸ ق باقی مانده بود (ساکما، ۷۳۹۶-۲۹۵: ۲۴۱).

عباسقلی خان، والی پشتکوه، در سال ۱۲۷۸ هـ ق/ ۱۲۴۰ ش/ ۱۸۶۱ م در نامه‌ای، ضمن اشاره به رابطه بین پرداخت مالیات به دیوان و مهاجرت رعایای پشتکوه، به تأثیر آن در مهاجرت مردم به عراق اذعان می‌کند و در این باره می‌نویسد:

پشتکوه، همه طرفش سرحد است. مالیات از دیوان مطالبه می‌شود، بنده هم از رعیت می‌خواهم [که] نزدیک قصبات بغداد و اعرابند، به میان آن‌ها می‌روند؛ همان اعراب ایشان را رعیت می‌کند. متوقف میان آن‌ها شده‌اند... مالیات پارساله به قرض و اسباب فروشی داده‌ام. امسال با این همه صدمات نمی‌دانم چگونه از عهده برآیم. رعیت متفرق و بی چیز، قلیلی که در پشتکوه مانده، آن‌ها هم از بی چیزی بی‌حال شده‌اند (استادوخ: ۴۷-۲-۱۰-۱۲۸۰-۲۷۹ ق).

با اینکه حسین قلی‌خان ابوقدره از فرار رعایای پشتکوه به عراق در دوره عباسقلی‌خان انتقاد می‌کند، با این حال فرار رعایای پشتکوه به عراق در دوره طولانی والیگری خود و فرزندش همچنان به جهت اجحاف مالیاتی تداوم داشت. عباسقلی‌خان، والی معزول پشتکوه در سال ۱۲۸۳ ق/ ۱۸۶۶ م در نامه‌ای به اولیای حکومت مرکزی ایران مدعی شد: «که خرابی و تفرقه پشتکوه به حدی رسیده است که دختران و اطفال خودشان را در خاک عراق عرب و موصل و غیره ... می‌فروشد و ممنون می‌شوند که مردم [آن‌ها] را برده، نان بدهند و از گرسنگی تلف نشوند». کارپرداز ایران در بغداد در گزارشی در خصوص صدق و کذب ادعای عباسقلی‌خان به صراحت تأکید می‌کند که «خرابی پشتکوه که تفرقه آن از موصل الی بصره در خاک عراق عرب ریخته و پاشیده، از آن واضحتر است» که کسی بتواند آن را منکر شود؛ اما ادعای عباسقلی‌خان مبنی بر فروش دختران از سوی اهالی پراکنده پشتکوه در عراق به جهت فقر و تنگدستی رد می‌کند و آن را تحریفی اشتباه از رسم دیرینه می‌داند که بر اساس آن اهالی پشتکوه دختر به یکدیگر می‌دادند و شیربها می‌گرفتند (استادوخ، اسناد مکمل، ۲۱۱-۵۴-۱۳۸۳ ق).

گزارش‌هایی مربوط به سالهای ۱۲۸۳ ق، ۱۲۹۳ ق، ۱۲۹۶ ق، ۱۳۰۲ ق، ۱۳۰۵ ق و ۱۳۱۲ ق از تعدیات حسینقلی‌خان به رعایای پشتکوه و فرار آنها به عراق حکایت دارد. در این راستا کارپرداز ایران در بغداد به نقل از مأمور کوت می‌نویسد: «از طوایف پشتکوه در حقیقت اثری باقی نمانده است [حسین قلی‌خان] هر روز جماعتی را غارت و جریمه می‌نماید و آن‌ها به طرف عراق عرب فرار می‌نمایند که اکثر آبادی عراق از آنهاست» (استادوخ، اسناد مکمل، کارتن ۵۴، شماره سند ۴۷۶) همچنین حاج عبدالغفار نجم الملک در سال ۱۲۹۹ ق/ ۱۸۸۲ م از تمام طوایف پشتکوه به نام ایل پشتکوه ابوقدره (لقب حسین قلی‌خان) یاد می‌کند و در مورد آن‌ها می‌نویسد: «ایل پشتکوه ابوقدره، در سابق ۳۰ هزار

خانوار بودند و حالا از روی تحقیق ۴ هزار خانوار بیش نیستند و جمعاً از شدت تعدیات او جلای وطن نموده رفته‌اند به قراء و بلاد عثمانی ...» (نجم الملک، ۱۳۴۱: ۷۶).

دقیق‌ترین گزارش در خصوص تأثیر مالیات بر مهاجرت ساکنان پشتکوه به عراق در گزارش کنسول مندلی آمده است. وی در گزارشی به وزارت امور خارجه، وضعیت مهاجرین پشتکوه در مناطق مندلی، بدره، حی، بقلیه، کوت، قزل، رباط، شهربان و بعقوبه را نیز شرح داده است و به معرفی رؤسای مهاجرین در این مناطق پرداخته است. وی افزایش مالیات را به عنوان عامل اصلی مهاجرت گسترده مردم پشتکوه به عراق معرفی می‌کند و در این باره می‌نویسد:

آن چه ایلیات مهاجرین اتباع دولت علی‌هی ایران که از ظلم حکام پشتکوه به خاک عراق هجرت کرده‌اند، در قدیم در هر محلی که از نقاط بین النهرین یکصد خانوار از این مهاجرین بودند، آن هم در صدی ده خانه از ظلم، مابقی برای کسب و معیشت و فقیری به خاک عراق می‌آمدند، یک دوسال کسب کرده باز به وطن خود عودت می‌کردند، تا آن که رفته‌رفته ظلم والی‌های پشتکوه شدت گرفت، حالیه در هر محلی از عراق پانصد [الی] هزار خانه از این مهاجرین موجود می‌باشد. سبب ظلم آن است [که] تا زمان حکمرانی مرحوم حسین قلی خان ابوقداره، مالیات سالیانه قلمرو پشتکوه هر سالی شش هزار تومان بود [و] در اواخر حکمرانی مرحوم حسین قلی خان ابوقداره مالیات را سالی دوازده هزار تومان کردند که ابتدای ظلم و هجرت مهاجرین دایر شد؛ یعنی در عرض سال، یکصد خانوار به بین‌النهرین هجرت کرده [و] اقامت می‌کردند. در ابتدای حکمرانی ... غلامرضاخان والی فیلی پشتکوه، مالیات سالیانه به هیجده هزار تومان کرده؛ در سنه ۱۲۷۷ ش (۱۳۱۵ ق/ ۱۸۹۸ م) و در ابتدای مشروطیت ایران و دوره اغتشاش مملکت، مالیات سالیانه قلمرو پشتکوه با عوارض و سورات به هر سالی سیصد هزار تومان رسید [که] از خالصه‌جات پشتکوه و مالیات رعیتی پشتکوه مأخوذ می‌دارند. به علاوه آن که در سالی پنجاه هزار تومان جرائم تنگ قجر مأخوذ می‌دارند و غیره ... هر ماهی پنجاه خانوار، هر سالی پانصد، ششصد خانوار از ایلات پشتکوه از وطن هجرت کرده حالیه هم هجرت می‌نمایند و اخذ این مالیات معمول می‌دارند. حالیه، ایلیات مهاجرین ایرانی و اهالی پشتکوه، چیزی که در این نقاط فوق‌الذکر موجود و مقیم می‌باشد ده هزار خانه می‌شود (استادوخ: ۹۱-۷۲-۲۹-۱۳۰۴ ش).

کنسول مندلی جمعیت مهاجرین پشتکوهی در مناطق مندلی، بقلیه، کوت، قزل رباط، شهربان، بعقوبه را در سال ۱۳۰۴ ش/ ۱۹۲۵ م را ده هزار خانوار ذکر می‌کند و در همین سال

نیز چهار هزار خانوار از مهاجرین پشتکوه ساکن بغداد بودند (استادوخ: ۹۱-۷۶-۲۹-۱۳۰۴ش). چنانچه جمعیت مهاجرین پشتکوهی در مناطق کرکوک، علی غربی، نعمانیه، شیخ سعد، عماره، بصره، ناصریه، عتبات عالیات و دیگر مناطق عراق به حساب آوریم، می‌توان جمعیت مهاجرین پشتکوهی در عراق در سال ۱۳۰۴ش/۱۹۲۵م را بیش از بیست هزار خانوار تخمین زد. اگر این آمار از جمعیت مهاجرین پشتکوه مقیم عراق را با آمار جمعیت ساکن در پشتکوه مقایسه کنیم که در سال ۱۳۰۰ش/۱۹۲۱م جمعیت آنجا را بیست هزار خانوار تخمین زده‌اند (استادوخ: ۲۴-۱۰-۲-۱۳۰۰ش) می‌توان گفت جمعیت مهاجرین پشتکوه مقیم عراق از جمعیت باقیمانده و ساکن در پشتکوه بیشتر بوده است. میرزا احمدخان پورسردار رئیس مالیه پشتکوه در سال ۱۳۰۵ش/۱۹۲۶م تعداد خانوارانی که از پشتکوه به عراق فرار کرده‌اند را شصت هزار خانوار تخمین زده است و مهمترین عامل آن را اجحاف مالیاتی ذکر کرده است (ساکما، ۲۰۶-۱۱۳۲۳-۲۴۰). با بررسی سیر مهاجرت اهالی پشتکوه از اوایل قاجار تا اواسط دوره پهلوی به نظر می‌رسد که آمار شصت هزار خانوار مهاجر از منطقه ایلام با عراق به واقعیت نزدیک باشد و بر این مبنا می‌توان مدعی شد که نزدیک به سه چهارم اهالی پشتکوه در دوره والیان به عراق مهاجرت کردند و روند مهاجرت گسترده اهالی پشتکوه به عراق تا اوایل دهه ۱۳۴۰ش/۱۹۶۱م همچنان تداوم داشت.

براساس گزارش کنسول مندلی از وضعیت مهاجرین پشتکوهی در عراق می‌توان دریافت که بین افزایش مالیات در پشتکوه و مهاجرت مردم آنجا به عراق رابطه مستقیمی وجود داشته است؛ به عبارت دیگر با افزایش مالیات، مهاجرت بیشتری از پشتکوه به عراق صورت می‌گرفت. در واقع تأثیر افزایش و سنگینی مالیات‌ها و عوارضات گوناگون در مهاجرت ساکنین پشتکوه به عراق، گسترده‌تر از تأثیر دیگر عوامل بود. دولت عثمانی به میزانی که مالیات از رعایای عراقی می‌گرفتند به همان میزان نیز از رعایای مهاجر پشتکوه مقیم عراق مالیات اخذ می‌کردند. (استادوخ: ۹۱-۷۶-۲۹-۱۳۰۴ش). به نظر می‌رسد میزان مالیات پرداختی مهاجرین پشتکوهی به دولت عثمانی بسیار قابل تحمل‌تر از مالیات پرداختی به والیان بود، چراکه آنها ترجیح دادند که در خاک عراق باقی بمانند و مالیات به دولت عثمانی دهند.



## ۵. نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که جمع‌آوری و پرداخت مالیات، مشخصه اصلی حاکمیت دولت مرکزی بر پشتکوه بود. هر والی که این وظیفه را به نحو احسن انجام می‌داد بر سرکار باقی می‌ماند. جمع‌آوری مالیات بیش از توان پرداختی مردم پشتکوه باعث تغییر شیوه زندگی بخشی زیادی از اهالی پشتکوه از یکجا نشینی به کوچ نشینی گردید. زیرا در این حالت آنان می‌توانستند در مقابل اجحافات مالیاتی، زندگی را جمع کنند و به عراق مهاجرت نمایند. وجود کلنی‌هایی از مهاجرین پشتکوهی در نوار مرزی ایران و عراق و در داخل خاک عراق ناشی از اجحافات مالیاتی در کل دوره قاجار بود. مهاجرت گسترده طوایف پشتکوه باعث کاهش شدید جمعیت در آن منطقه شد؛ امری که بر مبنای آن، حکومت مالیات را جمع‌آوری و سرباز اجیر می‌کرد. به عبارتی دیگر، اجحاف در جمع‌آوری مالیات نه تنها امنیت آور نبود بلکه امنیت‌زا بود. چه بسا ادعاهای ارضی عثمانی بر مناطق حاصلخیز باغسائی، غریبه، صیفی و ملخطاوی که در نهایت به تصرف ارضی باغسائی و غریبه از سوی عثمانی‌ها منجر شد می‌توان به علت خالی شدن منطقه از ساکنان بومی تفسیر کرد.

از دوره والی‌گری حسن‌خان ۱۲۱۲ ق تا ۱۲۵۲ ق تا انقراض حکمرانی والیان فیلی در سال ۱۳۰۷ ش هشت والی از خاندان فیلی به والیگری در منطقه پشتکوه پرداختند. از آنجا که مهمترین وظیفه والیان در مقابل حکومت مرکزی، پرداخت به موقع مالیات سالانه بود از این رو، از میان هشت والی منطقه پشتکوه، والیانی مانند حسن‌خان، احمدخان، حیدرخان، حسینقلی‌خان و غلامرضاخان - با وجود داشتن نوساناتی در حفظ امنیت - به واسطه پرداخت مالیات سالانه به حاکمان قاجاری توانستند تأیید و حمایت آنها را برای حفظ و تداوم حکمرانی‌شان کسب کنند؛ اما والیانی مانند عباسقلی‌خان و اللهقلی‌خان به واسطه ناتوانی در پرداخت مالیات سالانه و حفظ امنیت مرزهای ایران، تأیید و حمایت حاکمان قاجار را با تداوم حکمرانی‌شان از دست دادند و عزل شدند.

بین نظام مالیاتی و امنیت حاکم بر پشتکوه رابطه مستقیم و متقابلی وجود داشت، به این معنی که هر گاه والیان موفق به پرداخت مالیات سالانه به حکومت مرکزی می‌شدند و همزمان جیره و مواجب سربازان بومی را می‌پرداختند، می‌توانستند از مرزهای پشتکوه دفاع و امنیت نسبی در قلمروشان برقرار کنند، اما هر گاه نمی‌توانستند مالیات سالانه را به حکومت مرکزی پرداخت کنند، بدون شک در پرداخت جیره و مواجب سربازان بومی هم

ناتوان بودند، از اینرو در چنین مواقعی قادر به تأمین امنیت و دفع حملات اعراب و عثمانی‌ها به مناطق مرزی پشتکوه نبودند.

### پی‌نوشت‌ها

۱. به خانوارهایی که همیشه در کنار والی بودند و همراه با والی بیلاق و قشلاق می‌کردند عمده والی می‌گفتند و خوانین مهم، میرزاها و سواران و سربازان همیشه در رکاب والی در عمده ساکن بودند.

۲. در دو منطقه لرستان و ایلام به رؤسای ایلات مهم توشمال گفته می‌شد.

۳. حسن خان، والی پشتکوه، پدر زن و از وفاداران محمود میرزا حاکم قبلی لرستان بود.

۴. پشتکوه در دوره والیان به دو صفحه‌ی کرد و محکی تقسیم می‌شد. صفحه‌ی محکی شامل شهرستانهای ایلام، شیروان، ملکشاهی، شمال شهرستان مهران، بدره و سرابله می‌شد و صفحه‌ی - کرد شامل دو شهرستان دهلران و آبدانان کنونی و بخش جنوبی شهرستان مهران بود. رؤسای ایل کرد، در نامه ای مورخ ۱۳۲۳/۳/۲۲ ش به مجلس شورای ملی، حدود صفحه‌ی کرد را چنین ذکر کرده‌اند: «خاک و محل موروثی کرد از مغرب و شمال، به خاک «شوهان» که سابقاً هم جزء طایفه کرد بوده‌اند، منتهی است، و نیز حد غربی آخرین حدود بین مرز سرحدی ایران و عراق عرب، از مشرق رشته کوه کبیرکوه از بالاجاری، ولی اراضی سیمره که پس رشته کوه کبیرکوه است، کما فی السابق در ازمنه و اعصار قدیم خاک و مدرکی کرد است باز همان رشته‌ی آبدانان - کبیرکوه و آب سیمره و کرخه و دم‌شاه تا به قومات منتهی می‌شود» (طاهری مقدم، سید - محمد؛ مرادی مقدم، مراد، «صفحه کرد، جابه‌جایی جمعیتی و مسئله امنیت» فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات تاریخ انتظامی، سال سوم، شماره نهم، تابستان ۱۳۹۵، از صفحه ۳۷ تا ۵۲، ص ۴۱).

۵. مستنکف: سرباز زنده، خودداری کننده از انجام کاری

۶. پادار اصطلاحی است برای مردان مشمول مالیات خدمت نظامی در دوره قاجار (فلور، ۱۳۹۴، ۴۸۷)

۷. بر اساس صورت ارقام مالیاتی که کنسول مندلی در سال ۱۳۰۴ ش/ ۱۹۲۵ م از روی دفتر مالیاتی غلامرضاخان، والی پشتکوه، ارائه می‌دهد؛ می‌توان منبع ارقام مالیاتی سالانه پشتکوه را به سه دسته «مالیات خالصه جات»، «مالیات رعیتی» و مالیات اراضی تیولی تقسیم کرد.

والیان پشتکوه «علاوه بر مالیات، عوارض مختلف نیز از رعایا دریافت [می‌نمودند]؛ صورت عوارضی که همه ساله غلام رضاخان آخرین والی علاوه بر «مالیات و تحمیلات بیگاری و غیره»

نقش نظام مالیاتی در تحولات سیاسی و اجتماعی ... (مراد مرادی مقدم و اصغر غفاری واحد) ۲۹۳

از طوایف پشتکوه می‌گرفت عبارت بودند از: «قلق» (رشوه)، «تقدیم»، «باج»، «مواجب جلودار»، «پول مرغ»، «پول غسل»، «پول جل شال»، «پول هیزم»، «پول روغن»، «پول گوشت»، «پول تیبله» (وسایل نانویی)، «رسوم میرزاها و صندوق دارها»، «پول مشک آب»، «پول مهمان»، «پول نخود»، «اضافه مالیات»، «اسپار باغ» (هرس باغ)، «پول سر سفره»، «توشمالانه»، «مواجب سوار»، «پول برف»، «پول دوشاب» و «آب کوزه» همچنین در سندی که به این عوارض اشاره کرده است تأکید شده که «اسامی [عوارض] دیگری محتمل بوده است که از ذکر اسامی [آن‌ها] خودداری شده است.» بر اساس صورت عوارض یاد شده غلام رضاخان در سال ۱۳۰۵ ش مبلغ ۲۱۹۱۵۵ قران عوارض از طوایف پشتکوه دریافت کرد. علاوه بر این «چندین برابر این مبلغ‌ها هم به اسامی و طرق دیگر بر مردم و رعایا بی‌جهت تحمیل می‌شده است»؛ که تمام آنها بعد از رفتن والی به عراق و اداره مستقیم آن از سوی دولت متوقف شد (استادوخ: ۱۶ و ۱۵ - ۹۵-۲۹-۱۳۰۷، ضمیمه شماره ۲).

## کتاب‌نامه

- احتشامی، منوچهر، (۱۳۸۳)، *خوزستان و لرستان در عصر ناصری: به روایت فرمان‌های ناصرالدین شاه، مکاتبات امیرکبیر و میرزا آقاخان نوری با احتشام الدوله*، به کوشش منوچهر احتشامی، با همکاری آریتا لقای و فاطمه معزی، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۳.
- پاشا، درویش، (۱۲۸۷ق)، *حدود لایحه سی*، ترجمه جهانگیر بن محب علی حسینی مرنندی تبریزی، شماره بازیابی ۱۷۹۶۵-۵، محل نگهداری سازمان اسناد و کتابخانه ملی.
- جعفری ولدانی، اصغر، (۱۳۷۶)، *بررسی تاریخی اختلافات مرزی ایران و عراق*. تهران: وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات.
- حاج سیاح، (بی تا)، *خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت به کوشش حمید سیاح*، به تصحیح سیف الله گلکار، تهران، امیرکبیر.
- دوید، بارون، (۱۳۹۳)، *رساله لرستان و لرها همراه با سفرنامه بارون دوید*، ترجمه سکندر امان اللهی بهاروند و لیلی بختیاری، تهران، آرون.
- راولینسون، هنری، (۱۳۶۲)، *سفرنامه (گذر از ذهاب به خوزستان)*، ترجمه سکندر امان اللهی بهاروند، تهران: آگاه.
- رفعتی، رستم، (۱۳۸۶)، *انساب شهری و عشایری استان ایلام، ایلام، برگ آذین*.
- سپهر، عبدالحسین خان، (۱۳۶۸)، *مرآة الوقایع مظفری و یادداشت‌های ملک المورخین*، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران، زرین.
- فلور، ویلم، (۱۳۹۴)، *تاریخچه مالی - مالیاتی ایران از صفویه تا پایان قاجاریه*، ترجمه مرتضی کاظمی یزدی، تهران، نشر تاریخ ایران.

قاجار، محمود میرزا، (۱۳۹۰)، عهد حسام، به کوشش ایرج افشار، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب.  
مجد، محمدقلی، (۱۳۸۹)، از قاجاریه به پهلوی، مترجمین سید رضا مرزانی و مصطفی امیری، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

مردنی یکانلو، (ناظم‌الملک)، میرزامحب‌علی‌خان بن محمدتقی. (۱۳۹۶). ملاحظات و محاکمات: (دو لایحه در تحدید حدود ایران و عثمانی، (۱۲۹۲)، هجری قمری. (دکتر نصرالله صالحی، پژوهش‌گر و مصحح). تهران: طهوری.

مردنی یکانلو، (ناظم‌الملک)، میرزامحب‌علی‌خان بن محمدتقی. (۱۳۹۵). مجموعه رسایل و لوائح تحدید حدود ایران و عثمانی ۹۰۷-۱۳۰۹ هجری قمری. (چ ۱). (دکتر نصرالله صالحی، پژوهش‌گر و مصحح). تهران: طهوری.

مشیرالدوله، جعفر بن محمد تقی، (۱۲۷۲ ق)، تحقیقات سرحدیه، شماره بازیابی ۱۷۹۶۷/۱، محل نگهداری سازمان اسناد و کتابخانه ملی.

نجم‌الملک، حاج عبدالغفار، (۱۳۴۱)، سفرنامه، به کوشش محمود دبیر سیاقی، تهران، موسسه‌ی مطبوعاتی علمی.

اسناد:

اداره‌ی اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)، اسناد شماره‌ی: (۹۱-۷۹-۲۹-۱۳۰۴-ش)، (۴۸-۱۰-۲-۱۲۷۹-۱۲۸۰-ق)، (۷-۹۵-۲۹-۱۳۰۷)، (۴۷-۲-۱۰-۱۲۸۰-۲۷۹-ق)، (۲۶۷-۴۹-۱۲۸۶-ق)، (۴۷-۲-۱۰-۱۲۷۹-۱۲۷۰-ق)، (۱۶ و ۱۵-۹۵-۲۹-۱۳۰۷)، (۹-۷۶-۲۹-۱۳۰۴-ش)، (۲۴-۱۰-۲-۱۳۰۰-ش)، (اسناد مکمل، ۳۷۱-۵۴-۱۲۹۴)، (۱۳۳۲-۳۸-۱۰-۲۲-ق)، (اسناد مکمل، کارتن ۵۴، شماره سند ۴۷۶)، (اسناد مکمل، ۲۱۱-۵۴-۱۳۸۳) (اسناد مکمل، شماره سند ۲۴۶، کارتن ۵۴)، (۴۷-۲-۱۰-۱۲۸۰-۱۲۷۹-ق)، (اسناد مکمل ۲۱۹-۵۴-۱۲۸۳)، (اسناد مکمل ۴۱۷-۵۴-۱۲۸۳)، (اسناد مکمل، کارتن ۵۴- شماره سند ۴۱۳)، (استادوخ: اسناد مکمل، کارتن ۵۴، سند شماره ۲۶۸)، (استادوخ: اسناد مکمل، کارتن ۵۹، شماره سند ۳۰۴)، (استادوخ: اسناد مکمل، کارتن ۱۳۹، سند ۲۹۲)، (استادوخ: اسناد مکمل، کارتن ۵۹، شماره سند ۳۰۴)، (استادوخ: مکمل، کارتن ۵۴، سند شماره ۲۷۷)، (استادوخ: اسناد مکمل، کارتن ۵۴- شماره سند ۲۱۶).

سازمان اسناد و کتابخانه‌ی ملی ایران (ساکما)، اسناد شماره‌ی: (۹۱/۲۸۰/۵۳۵)، (۲۹۵-۷۳۹۶: ۱۵۸ تا ۱۶۴)، (۲۹۵-۷۳۹۶: ۲۴۱)، (۲۹۵-۷۳۹۶: ۳۷)، (۲۹۵-۷۳۹۶: ۱۵۰)، (۲۹۵-۷۳۹۶: ۴۰۵)، (۷۳۹۶-۲۹۵: ۴۵)، (۲۹۵-۷۳۹۶: ۶۱)، (۲۹۵-۷۳۹۶: ۱۵۲)، (۲۹۵-۷۳۹۶: ۲۳۳)، (۲۸۲۸۰: ۲۴۰۰)، (۲۹۵-۷۳۹۶: ۲۳۱)، (۱۴۰۰۰۴۶۱۰)، (۲۸۲۸۰: ۲۴۰۰)، (۱۱۳۲۳: ۲۲۴۰۰)، (۱۴۰۰۰۱۱۳۲۳)، (۲۴۰۰۰۱۱۳۲۳).

پیوست

تصویر اسناد و اسناد ثبتی که در این سند درج شده است در تاریخ ۱۳۸۳ شماری ۱۳۸۳

روزنامه رسمی	
ردیف	شرح اسناد
۱	اسناد ثبتی شماره ...
۲	اسناد ثبتی شماره ...
۳	اسناد ثبتی شماره ...
۴	اسناد ثبتی شماره ...
۵	اسناد ثبتی شماره ...
۶	اسناد ثبتی شماره ...
۷	اسناد ثبتی شماره ...
۸	اسناد ثبتی شماره ...
۹	اسناد ثبتی شماره ...
۱۰	اسناد ثبتی شماره ...
۱۱	اسناد ثبتی شماره ...
۱۲	اسناد ثبتی شماره ...
۱۳	اسناد ثبتی شماره ...
۱۴	اسناد ثبتی شماره ...
۱۵	اسناد ثبتی شماره ...
۱۶	اسناد ثبتی شماره ...
۱۷	اسناد ثبتی شماره ...
۱۸	اسناد ثبتی شماره ...
۱۹	اسناد ثبتی شماره ...
۲۰	اسناد ثبتی شماره ...
۲۱	اسناد ثبتی شماره ...
۲۲	اسناد ثبتی شماره ...
۲۳	اسناد ثبتی شماره ...
۲۴	اسناد ثبتی شماره ...
۲۵	اسناد ثبتی شماره ...
۲۶	اسناد ثبتی شماره ...
۲۷	اسناد ثبتی شماره ...
۲۸	اسناد ثبتی شماره ...
۲۹	اسناد ثبتی شماره ...
۳۰	اسناد ثبتی شماره ...
۳۱	اسناد ثبتی شماره ...
۳۲	اسناد ثبتی شماره ...
۳۳	اسناد ثبتی شماره ...
۳۴	اسناد ثبتی شماره ...
۳۵	اسناد ثبتی شماره ...
۳۶	اسناد ثبتی شماره ...
۳۷	اسناد ثبتی شماره ...
۳۸	اسناد ثبتی شماره ...
۳۹	اسناد ثبتی شماره ...
۴۰	اسناد ثبتی شماره ...
۴۱	اسناد ثبتی شماره ...
۴۲	اسناد ثبتی شماره ...
۴۳	اسناد ثبتی شماره ...
۴۴	اسناد ثبتی شماره ...
۴۵	اسناد ثبتی شماره ...
۴۶	اسناد ثبتی شماره ...
۴۷	اسناد ثبتی شماره ...
۴۸	اسناد ثبتی شماره ...
۴۹	اسناد ثبتی شماره ...
۵۰	اسناد ثبتی شماره ...
۵۱	اسناد ثبتی شماره ...
۵۲	اسناد ثبتی شماره ...
۵۳	اسناد ثبتی شماره ...
۵۴	اسناد ثبتی شماره ...
۵۵	اسناد ثبتی شماره ...
۵۶	اسناد ثبتی شماره ...
۵۷	اسناد ثبتی شماره ...
۵۸	اسناد ثبتی شماره ...
۵۹	اسناد ثبتی شماره ...
۶۰	اسناد ثبتی شماره ...
۶۱	اسناد ثبتی شماره ...
۶۲	اسناد ثبتی شماره ...
۶۳	اسناد ثبتی شماره ...
۶۴	اسناد ثبتی شماره ...
۶۵	اسناد ثبتی شماره ...
۶۶	اسناد ثبتی شماره ...
۶۷	اسناد ثبتی شماره ...
۶۸	اسناد ثبتی شماره ...
۶۹	اسناد ثبتی شماره ...
۷۰	اسناد ثبتی شماره ...
۷۱	اسناد ثبتی شماره ...
۷۲	اسناد ثبتی شماره ...
۷۳	اسناد ثبتی شماره ...
۷۴	اسناد ثبتی شماره ...
۷۵	اسناد ثبتی شماره ...
۷۶	اسناد ثبتی شماره ...
۷۷	اسناد ثبتی شماره ...
۷۸	اسناد ثبتی شماره ...
۷۹	اسناد ثبتی شماره ...
۸۰	اسناد ثبتی شماره ...
۸۱	اسناد ثبتی شماره ...
۸۲	اسناد ثبتی شماره ...
۸۳	اسناد ثبتی شماره ...
۸۴	اسناد ثبتی شماره ...
۸۵	اسناد ثبتی شماره ...
۸۶	اسناد ثبتی شماره ...
۸۷	اسناد ثبتی شماره ...
۸۸	اسناد ثبتی شماره ...
۸۹	اسناد ثبتی شماره ...
۹۰	اسناد ثبتی شماره ...
۹۱	اسناد ثبتی شماره ...
۹۲	اسناد ثبتی شماره ...
۹۳	اسناد ثبتی شماره ...
۹۴	اسناد ثبتی شماره ...
۹۵	اسناد ثبتی شماره ...
۹۶	اسناد ثبتی شماره ...
۹۷	اسناد ثبتی شماره ...
۹۸	اسناد ثبتی شماره ...
۹۹	اسناد ثبتی شماره ...
۱۰۰	اسناد ثبتی شماره ...

این اسناد در تاریخ ... در دفتر اسناد رسمی ... ثبت گردید.

چهارمین اسناد ثبتی در تاریخ ... در دفتر اسناد رسمی ... ثبت گردید.

مبلغ ... در تاریخ ... در دفتر اسناد رسمی ... ثبت گردید.



مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران - سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران - تهران  
 شماره ثبت: ۹۴۴۴ - شماره ثبت: ۹۴۴۴ - شماره ثبت: ۹۴۴۴

ردیف	عنوان	قیمت	
		دینار ایران	دینار عراق
۱	کتابخانه کهن	۱۸۱۱۵	-
۲	کتابخانه کهن	۷۱۰	-
۳	کتابخانه کهن	۱۴۱۷۰	-
۴	کتابخانه کهن	۶۲۹۰	-
۵	کتابخانه کهن	۶۰۰	-
۶	کتابخانه کهن	۱۲۰۰	-
۷	کتابخانه کهن	۴۴۱۵۰	-
۸	کتابخانه کهن	۴۱۸۰۰	-
۹	کتابخانه کهن	۵۷۵۰	-
۱۰	کتابخانه کهن	۱۶۷۵۰	-
۱۱	کتابخانه کهن	۲۰۲۶۰	-
		۲۶۹۱۵۵	-
۱۲	کتابخانه کهن	۵۰	-
۱۳	کتابخانه کهن	۵۰۰	-
۱۴	کتابخانه کهن	۵۰	-
۱۵	کتابخانه کهن	۱۵۰۰	-
۱۶	کتابخانه کهن	۴۰۰	-
۱۷	کتابخانه کهن	۵۰۰۰	-
۱۸	کتابخانه کهن	۲۰۰	-
۱۹	کتابخانه کهن	۱۰۰	-
۲۰	کتابخانه کهن	۲۰۰۰	-
۲۱	کتابخانه کهن	۶۶۰	-
۲۲	کتابخانه کهن	۲۳۷۶۰	-
۲۳	کتابخانه کهن	۱۱۷۰	-
۲۴	کتابخانه کهن	۱۴۹۸۰	-
۲۵	کتابخانه کهن	۱۱۲۰۰	-
۲۶	کتابخانه کهن	۹۵۴۰	-
۲۷	کتابخانه کهن	۱۱۲۸۰	-
۲۸	کتابخانه کهن	۱۰۸۵۰	-
۲۹	کتابخانه کهن	۱۸۱۱۵	-



اداره اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

برادر طاهر  
 محمد علی  
 ۱۳۹۹

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران